



مقطع تحصیلی: کاردانی □ کارشناسی □ رشته: معماری .....ترم: دوم ... سال تحصیلی: 1398- 1399  
 نام درس معماری تزئینی معاصر..... نام و نام خانوادگی مدرس:.....شاهین امیرشقایق .....  
 آدرس email مدرس:.....mystudent20@gmail.com... تلفن همراه مدرس:.. تماس از طریق ایمیل و تشکیل گروه  
 تلگرام توسط یک نماینده ایدی تلگرام telegram.me/tiktakeomr

جزوه درس:..... مربوط به هفته : اول ■ دوم □ سوم □  
 text: دارد ■ ندارد □ voice: دارد □ ندارد ■ power point: دارد □ ندارد ■  
 تلفن همراه مدیر گروه : .....

معماری اسلامی با بهره گیری از انواع تزئینات، شکوه و عظمت چشمگیری به آثار معماری سرزمینهای اسلامی داده است. هنر معماری اسلامی فراتر از صرف تجربه زیبایی شناختی است و در واقع جلوه‌ای نمادین از حقیقتی والاتر است که انسان را از کثرت جهان بیرون به وحدت الهی می‌رساند و در حقیقت جای دادن انسان در حضور خدا از طریق قدسی کردن فضا است. گره اسلامی یکی از الگوهای هندسی مشهور در هنر و معماری اسلامی است که به دلیل پیچیدگی در ترسیم و گسترده‌گی الگوها در نزد معماران اسلامی، فنی مهم و در نزد مستشرقین و پژوهش‌گران هنر اسلامی امری ناشناخته بوده است. هنری که ایران روزگاری یکی از پیشگامان طلایه دار آن بود ولی در دهه‌های اخیر به خاطر نفوذ فرهنگ بیگانه و استفاده ی ناصحیح از پیشرفت‌های آنان در اکثر زمینه‌ها سیر واقعی خویش را به فراموشی سپرده است. تغییر و تحولات در ایران به قدری بدون برنامه ریزی و تفکر شدت یافته که طی آن بیشتر جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی که در پی چندین قرن سینه به سینه منتقل شده و تکامل پیدا کرده به جای آنکه پشتوانه‌های معنوی باشد به زوائد دست و پا گیر تبدیل شده و به ناحق محکوم به فنا هستند. پژوهش حاضر بررسی معماری معاصر و تاثیر پذیری آن از هنر تزئینی وابسته به معماری ایرانی- اسلامی است. در بخش مبانی نظری و ادبیات موضوع از روش توصیفی و مطالعه کتابخانه‌ای استفاده شده و با بررسی متون مرتبط و تجزیه و تحلیل محتوی تحقیقات، تلاش در جهت دستیابی به الگوهایی برای بازتولید در روند طراحی آغاز شده است. استفاده از روشهای ترسیم گره سنتی بر مبنای آموزه‌های سنتی و زیبایی گره‌های سنتی بر مبنای فرآیند الگوریتمیک که منجر به تولید گره‌های تازه و پیچیده می‌شود یکی از راههای بازآفرینی الگوهای کهن معماری ایرانی-اسلامی در معماری معاصر و در قالب فناوری های نوین به شمار میرود.



از ابتدای خلقت انسان تاکنون، وی همواره به دنبال خلق زیبایی بوده و محل زندگی و محیط خود را با ذهن خلاقش با نقش و نگاره های زیبا تزئین می کرده است و هنر همواره جزئی از زندگی انسان ها و همراه آنان بوده است. تاریخ هنر، اگر چه ذخیره ای از پیچیده ترین و زیباترین رازآموزیها و راز گشاییهای بشری است، معمولا در رابطه با هنر انسان پیشین و نخستین تکاپوهای هنری، هر علاقه مندی را به عمق تاریخ و هزاره های دور می برد. (رهنورد، ۱۳۹۲).

سیال بودن جریان فرهنگ های انسانی سبب شده است که در طول تاریخ همواره به حیات خود در راستاهای متعدد فرهنگی و سنتی ادامه دهند. در ایران حتی با تحول عظیمی که با ظهور اسلام به وجود آمد، بسیاری از آئین ها، هنرها و رسوم سنتی زرتشت که با دین اسلام همراستا بودند با اندکی تغییرات مورد استفاده قرار گرفتند.

فرهنگ معاصر با کسب مجوز از قواعد مدرنیته، به الگوی بارز بهره برداری صرف از جهان طبیعی مبدل شده است. اینک ما در جهانی زندگی می کنیم که در آن، سبکهای گوناگون به صورت مدهایی زود گذر، هر روز تدایی سر داده و انسان را به سوی خود می خوانند و آنچه در این بین جایگاهی ندارد، انسان و هویت او می باشد.

شکی نیست که بسیاری از مشکلات شناخت و خلاقیت بشر امروز نسبت به خود و جهان هستی به سبب منش عملی نادرست او ایجاد شده است، او به دست خود بسیاری از راههای شناخت خود را از بین برده و خود را کور و کر کرده است. در عین حال ریشه ی بحران های فراوان نظری و عملی بشر امروز را باید در بحران شناخت شناسی و هویت او دانست، به گونه ای که جهان امروز به یک جهان نسبی یا برداشت های گوناگون و متناقض تبدیل شده و هیچ معیار سنجش واحدی را برای آن نمی توان متصور شد. به این سبب آنچه اولین راه حل انسان بحران زده امروز به نظر می رسد، شناخت مجدد انسان نسبت به هویت خود، جهان هستی و... و استوار نمودن آنها بر پایه های محکم می باشد.

زمینه های تاریخی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و محیطی از جمله عواملی هستند که در شکل گیری آثار معماری بسیار مؤثر هستند. معماری معاصر ایران در بستری شکل گرفته که از جریان های مدرنیته، صنعتی شدن و جهانی شدن به طور مداوم تأثیر پذیرفته است و فن آوری، شیوه ی زندگی مردم و به دنبال آن کالبد و محیط زیست وی را تغییر داده است. (ابراهیمی، ۱۳۸۹)

تنوع گرایی، کثرت گرایی، التقاط و تعدد دیدگاهها اصلی ترین شاخص های معماری معاصر در دهه های اخیر شده است و گرایش به سمت دیدگاه جهانی گرا موجب گردیده که این معماری از گذشته و تاریخ خود جدا شده و بدون آگاهی های نظری و شناخت دقیق مفاهیم فکری گرایش های جهانی، روی به تقلیدی کورکورانه و سطحی از معماری غربی آورد. در این نگرش الزامی در توجه به داشته های گذشته دیده نمی شود و همسویی با معماری روز جهانی، فردگرایی و خود محوری ملاک قرار میگیرد (محمودی، ۱۳۸۷). به نحوی که رشد کمی و کاهش کیفیت، جامعه را به سمت ساختمان سازی و بساز بفروشی که نوعی سرمایه گذاری تضمین شده است، سوق داده و آنچه که مورد بی توجهی واقع شده، معماری به مفهوم واقعی کلمه است (ابراهیمی، ۱۳۸۹). تقلید از معماری مدرن غربی به گسترش شهرنشینی و تسلط روز افزون ماشین بر زندگی مردم منجر شده است؛ همچنین بسیاری از هنجارهای مناسب زندگی را تحت تأثیر قرار داده و بی هنجاری و ناهنجاری را جایگزین آن کرده است (ابراهیمی، ۱۳۸۹). آنچه تولید می شود ساختمان سازی است نه معماری، رشد شهری است نه شهرسازی. مراد از معماری و شهرسازی، خلق آگاهانه و اندیشمندانه، قضا بام، زندگی، قد و جامعه است (حسینی، ۱۳۸۵).



ناتوانی در ایجاد سبک معماری که از یک سو در راستای معماری روز بوده و پاسخگوی نیازهای متغیر استفاده کنندگان باشد و از دیگر سو ارتباط و تداوم خود را با معماری تاریخی کشور حفظ کند و حتی بتواند در صحنه‌ی جهانی نیز حرفی برای گفتن داشته باشد، همواره سبب دل مشغولی بسیاری از اندیشمندان و متفکران این دوره گشته است (حبیبی، ۱۳۸۵). معماری معاصر ایران برای باز یافتن جایگاه ویژه‌ی خود راه دشواری پیش رو دارد، زیرا با جامعه‌ای در حال تحول روبه‌روست که جریان‌های صنعتی شدن، جهانی شدن و شبکه‌ای شدن را تجربه می‌کند. هنر و معماری در چنین موقعیتی نقش مؤثری در باز تعریف هویت خواهند داشت. بدون تردید معماری تنها به لحاظ ساختاری و حتی عملکردی حائز اهمیت نبوده، بلکه نقش معماری در تداعی معانی و انتقال مفاهیم نیز جایگاه ویژه‌ای دارد (رضازاده، ۱۳۸۳).

آینده بدون گذشته وجود ندارد، معماری گذشته‌ی ما، امانت‌دار فرهنگ است و معماری کنونی ایران، معلق میان گذشته و آینده در تکاپوی یافتن مسیر خویش باقی مانده است. سبک‌های زندگی مردم امروز بر حسب میزان غربی شدن آن‌ها، شدیداً متنوع است و معماری امروز در میان این تنوع دچار تزلزل شده و در حال دگرگونی است. اما اندیشه‌ی ماحصل این دگرگونی، گاهی انسان را دچار تردید می‌کند. چرا که ما خویش را از یاد برده‌ایم و تنها پوسته‌ای می‌مانیم با ادعایی بزرگ.